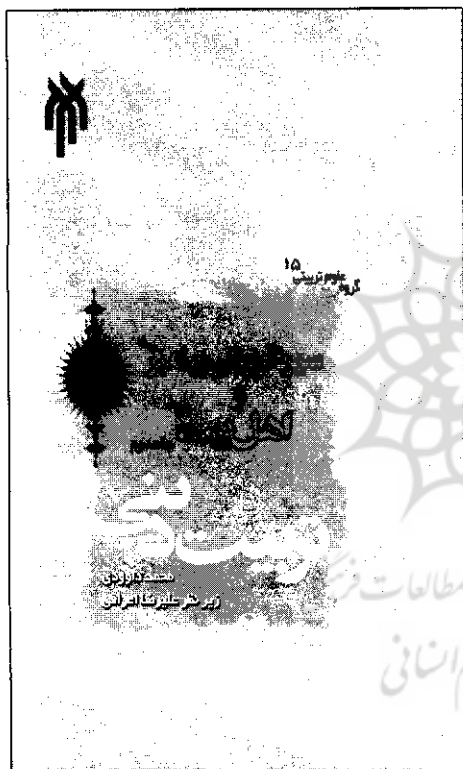


## معرفی کتاب



سیره تربیتی پیامبر ﷺ و  
 اهل بیت علیهم السلام / ج ۲: تربیت  
 دینی / محمد داودی / زیر نظر  
 علیرضا اعرافی / مؤسسه‌ی  
 پژوهشی حوزه و دانشگاه / چ  
 اول ۱۳۸۳ / ۳۸۳ ص.

این کتاب پژوهشی است در  
 زمینه‌ی تحلیل سیره‌ی پیامبر ﷺ و  
 اهل بیت علیهم السلام در موضوع تربیت  
 دینی. تربیت دینی در این جا به  
 مفهوم چگونگی آموزش  
 مجموعه‌ی قواعد و گزاره‌های دینی

به افراد است تا با شناخت و عمل به آنها پایبندی و تعهد خود را به دین و مکتب  
 نشان دهند.

مؤسسه‌ی پژوهشی حوزه و دانشگاه، تحقیقات دامنه‌داری را از زمان تأسیس  
 تاکنون در باره‌ی تربیت اسلامی انجام داده است. در این سلسله پژوهش‌ها که جلد  
 دوم آن در این جا معرفی می‌شود، ابعاد مختلف تربیت از زاویه‌ی اندیشه اسلامی با

استناد به آیات و سیره‌ی معصومان بررسی شده است. گفتنی است آنچه در این مجموعه‌ها تحت عنوان دو کلمه‌ی «سیره» و «تربیت» گنجانده شده می‌تواند از جهت اخلاقی هم منظور گردد.

اصولاً نگاه قرآن کریم و معصومان به انسان و حیات و هستی، یک نگاه منسجم چند بُعدی است؛ آنها وقتی درباره‌ی آفرینش انسان، تربیت فرزند، تقوا، عبادت و دیگر مقوله‌های اسلامی سخن می‌گویند هم بُعد فرهنگی و هم بُعد تربیتی، اخلاقی، جهان‌شناختی و دیگر ابعاد را لحاظ می‌کنند. اما ضرورت تفکیک مباحث، به ویژه در عصر حاضر، ایجاب می‌کند پژوهشگر از جهات و زوایای مختلف سیره را تحلیل کند. سیره در این تحقیق شامل سیره‌ی قولی و فعلی معصومان است. تلاش پژوهشگر در این تحقیق آن بوده که با پژوهش در روایات معتبر، تواریخ نقلی و گزارش‌های اخلاقی و تربیتی از حیات معصومین، ابعاد تربیت دینی را از دیدگاه آنان و سنت و رفتارشان شناسایی کند. این که معصومین چه اصولی را هنگام آموزش عقاید و عبادت به مخاطبان در نظر گرفته و عمل و رفتار آنها در این مجموع به چه نحوی بوده هدف این تحقیق است. پژوهشگر درصدد است در نهایت، معجم موضوعی سیره‌ی تربیتی پیامبر و اهل‌بیت را تهیه و ارائه نماید. هدف اساسی دیگر این است که روش‌های تحلیل و پژوهش در سیره را به محققان آموزش دهد.

اینک نکاتی را درباره‌ی توصیف و بررسی کتاب یادآور می‌شویم:

**الف) کتاب در چهار بخش سامان یافته است.** بخش اول دارای چهار فصل است و در آن خداشناسی، نبوت، امامت و معاد در سیره و رفتار پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام بررسی شده است. بخش دوم درباره‌ی تربیت عبادی و مباحث مربوط به آن، مانند آموزش قرآن، نماز، روزه، ذکر و دعا است. در دو ضمیمه‌ی این بخش برنامه‌ی آموزش نماز و روزه به کودکان ترسیم شده است. در بخش سوم روش‌های تربیت دینی، مانند ترغیب و ترهیب، موعظه، ارشاد، تذکر و امر و نهی تحلیل شده است. نهایتاً در بخش چهارم که به عنوان تکلمه آمده، رفق و مدارا، آداب و رسوم اجتماعی و نقش والدین

در تربیت دینی با توجه به آموزه‌های تربیتی و اخلاقی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام مورد بحث قرار گرفته است.

ب) آنچه از مجموعه‌ی کتاب درباره‌ی شناخت سیره‌ی معصومان به صورت گزیده و اختصار قابل استخراج است گزاره‌های زیر است که سعی شده بدون قضاوت و فقط براساس تحقیق کتاب منعکس شود:

۱- در مبحث خداشناسی، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، اصل وجود خدا را مفروض گرفته و بر بیان صفات تأکید داشتند. آنها فرد را به ارتباط با خدا دعوت می‌کردند. در مسأله‌ی نبوت هم به همین صورت عمل می‌شد.

۲- در موضوع امامت، سیره‌ی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام متفاوت است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طرح امامت حضرت علی علیه‌السلام به صورت تدریجی و مرحله به مرحله رفتار می‌کرد. اما اهل بیت با بیان فلسفه و هدف امامت به سنت پیامبر استناد می‌کردند، به شبهات پاسخ می‌دادند، و با مخالفان احتجاج و شیعیان را از معاشرت با مخالفان نهی می‌کردند. احادیث فراوانی در تأویل آیات مربوط به فضایل اهل بیت وارد شده که نشان می‌دهد امامان، به ویژه امام صادق علیه‌السلام، تأکید داشتند امامت را در ذهن مسلمانان همچون قرآن، مقدّس و محترم نشان دهند؛ آنها خاموشی چراغ امامت را همسان فراموش شدن و خاموشی اصل اسلام می‌دانستند.

۳- در موضوع معاد، مثل قرآن، از مثال‌های محسوس زندگی استفاده می‌کردند و با بهره‌گیری از عواطف و احساسات ایمانی به اثبات مطلب می‌پرداختند.

۴- در آموزش قرآن و عبادات تأکید ویژه داشتند. سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد آنها از روش علمی بهره می‌جستند؛ اولاً سیره‌ی عبادی خود آنها این بود که مسلمانان را با شوق و محبت به انجام عبادات دعوت می‌کرد. مطالعه‌ی زندگی برخی از صحابه و یاران ائمه به ما می‌آموزد پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام با چه روش خارق‌العاده‌ای انسان‌های شقی و قسی را به انسان‌های متواضع، ایثارگر و فداکار تبدیل می‌کردند.

۵- در سیره‌ی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام این نکته قابل اثبات است که آنها در آموزش

مسلمانان از روش‌های پیشگیرانه استفاده می‌کردند. مفاهیمی که در بخش چهارم بحث شده، از قبیل ترغیب و ترهیب، وعده و وعید، انذار و تبشیر، موعظه، ارشاد، تذکر، امر و نهی و رفق و مدارا، کاملاً نشان می‌دهد آنها از اهرم‌هایی استفاده می‌کردند که انسان را از درون متحول و از ارتکاب گناه باز دارد. شاهد این نکته این است که در روایات و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام از موضوعی مانند تشویق و تنبیه خبری نیست بلکه آنچه هست ترغیب و ترهیب است. ترهیب، ترساندن مخاطب از انجام یک کار است، اما تنبیه - که بعدها در میان دانشمندان اسلامی در ضمن تعلیم و تربیت مطرح شده - ارتباطی به سیره‌ی معصومین ندارد.

معنی سخن این نیست که روش تربیتی آنها ناظر به بعد از عمل نیست، بلکه توجه پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام عمدتاً ناظر به اصلاح و پیشگیری و متحول کردن انسان از درون است. وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فلسفه‌ی بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق توصیف می‌کند مسلم است که این کار بدون تحوّل درونی انسان‌ها و خودسازی امکان‌پذیر نیست. مطالعه‌ی آثار میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی، در زمینه‌ی مجازات و جنون در دنیای غرب نشان می‌دهد که اصلاح و تربیت انسان‌ها با ابزار و وسایل بیرونی جز نابودی جامعه و فرد هیچ ثمری ندارد. قوی‌ترین سیستم‌های تنبیهی نظام‌های جزایی دنیا هم نتوانسته به صورت مطلوب از رشد و افزایش جرم در جامعه جلوگیری کند.

### ج) نکاتی درباره‌ی کتاب:

۱- بدون شک پژوهش در سیره‌ی معصومان که دومین منبع عملی نزد مسلمانان و شیعیان است از ضروری‌ترین کارهای یک محقق دینی است، اما این کار وقتی نتیجه‌ی مطلوب دارد که تمام جوانب موضوع و اصول تحقیق رعایت شود.

۲- در این تحقیق، به گفته‌ی نویسنده، هم از سیره‌ی قولی و هم از سیره‌ی عملی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام بهره برده شده، اما واقعیت آن است که سیره‌ی عملی در حاشیه است و جز استناد به برخی حکایات، کمتر از این بخش استفاده شده است. این کار

البته برای یک محقق بسیار سخت است، چراکه باید مجموعه‌ی تواریخ و کتب سیره را با ذره‌بین تحقیق جستجو کند، اما فایده‌ی آن فراوان است. سیره‌ی خود اهل بیت و پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که آنها بر جنبه‌ی عملی آموزش تأکید داشتند. به همین خاطر است که شخصیت‌های باهوشی مثل شهید مطهری با درک شرایط و نیازهای عصر حاضر و کنکاش و مطالعه‌ی عمیق تاریخ اسلام، سیره‌ی نبوی و قیام امام حسین و سیره‌ی ائمه علیهم السلام را از زاویه‌ی رفتارهای عملی آنها بررسی نمودند. روان‌شناسی مخاطب نشان می‌دهد کتاب‌های داستان زندگی آدم‌های بزرگ بیشتر در ذهن آنها تأثیرگذار است تا مجموعه‌ی اقوال و کلمات آنها.

۳- برخلاف شیوه‌ی نگارش این کتاب، مخاطبان کتاب کسانی هستند که برنامه‌ی آموزش و پرورش و تربیت جامعه را در دست گرفته‌اند، یعنی معلمان، پژوهشگران، مبلغان و قشر فرهیخته‌ی جامعه. بنابراین باید از عباراتی فخیم‌تر و تحلیل‌های تفصیلی و عمیق استفاده می‌شد. به علاوه، مستندات کتاب از منابع دست‌چندم محسوب می‌شود؛ عموماً از منابع آموزشی معاصر و کتب‌های محققان معاصر اخذ شده، در حالی که سیره‌ی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را بای از متون حدیثی سده‌ی اول تا چهارم و از متون تاریخی و سیره‌ی آن عصرها جستجو کرد.

به هر حال، با جایگاهی که مؤسسه‌ی حوزه و دانشگاه دارد کاملاً قابل انتظار است که ما را با اصیل‌ترین منابع سیره‌ی تربیتی اهل بیت علیهم السلام آشنا کند.